

هفته برائت !!!

دو راه کار قدیمی

اروپاییان لاقلاً دوبار در تاریخ از مسلمانان شکست سخت خوردند. یک بار در اولین دوره خلافت اسلامی که مسلمانان تا اندلس پیش رفتند و چند صده در قلب اروپا حکومت کردند و یک بار هم در دوران عثمانی. اگر چه در هر دو این موارد با اسلامی مواجه شدند که دور از مکتب اهل بیت علیهم السلام بود، اما به هر حال انسجام اسلامی باعث شکست اروپاییان شد. به همین دلیل برای پیروزی راه های زیادی را آزمودند و در نهایت به دو راه کار رسیدند.

اول: خالی کردن دین از محتوای صحیح که نتیجه آن رو آوردن به لذت طلبی و رفاه جویی و در نتیجه دوری از فرهنگ مبارزه و تلاش و روردر رویی با ظلم و غارت است و

دوم: ایجاد اختلاف در میان مسلمانان.

اگرچه امروزه همه درباره ی این دو راه کار اطلاعات زیادی دارند و در مورد آن صحبت می کنند، اما متأسفانه هنوز هم این روش ها در دنیای اسلام تاثیرگذار است. البته شکل اجرای آن کمی پیچیده تر شده که این امر با توجه به آگاهی های نسبی ایجاد شده در جهان اسلام طبیعی است. زیرا اگر این کار شفاف صورت بگیرد به طور قطع مسلمانان فریب آن را نمی خورند.

شیعه و مقاومت

تجربه دو قرن گذشته و مبارزات شیعیان در مقابل دول استعماری و پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم به دشمنان اسلام آموخته است که باید جلوی نشر افکار تشیع گرفته شود. برای این کار هم دو راه کار اصلی در پیش گرفته شده است:

اول: جلوگیری از نشر افکار شیعه با شعله ور کردن آتش کینه‌ی دیگر فرق اسلامی. زیرا اگر فضا جنجالی شد؛ دیگر مسلمانان حاضر نخواهند بود تا در یک فضای سالم و علمی به شناخت مکتب اهل بیت علیهم السلام رو آورند.

دوم: خالی کردن اعتقادات شیعیان از محتوای اصلی و پرداختن به امور فرعی و حاشیه‌ای زیرا در صورت تحقق این امر دیگر شیعیان برای آن‌ها هیچ خطری نخواهند داشت. برای تحقق راه کار اول هم به دو جریان نیاز است:

۱- اهل سنتی که با توهین و فحاشی به شیعه و خشونت تروریستی نسبت به آنان، شیعیان را وادار به واکنش نمایند تا آتش اختلافات و کینه‌ها شعله‌ور گردد.

۲- کسانی از خود شیعیان که با تعصب کور غیر مذهبی که حتی فراتر از دستورات اهل بیت است، دیگر شیعیان را وارد بازی خطرناک استکبار نمایند.

برای راه کار دوم هم به طور قطع باید به سراغ کسانی بروند که خود را شیعه می‌نامند و گرنه نمی‌توانند جامعه شیعیان را فریب دهند.

متأسفانه برای تحقق قسمت اول راه کار اول تکفیری‌ها و وهابی‌ها در دست استکبار جهانی هستند و برای قسمت دوم راه کار اول و راه کار دوم به دنبال افراد شهرت طلب و کم‌بینشی در دنیای شیعه رفته و از آن‌ها مانند یک مزدور برای تحقق اهداف خود بهره می‌برند.

مخافت با وحدت

این مساله در طول تاریخ همواره مورد توجه علمای شیعه بوده تا جایی که حتی در دوران مشروطه نیز مراجع تقلید شیعه بیانیه‌ای جهت حفظ وحدت اسلامی صادر کردند و نوشتند: «چون دیدیم که اختلاف فرقه‌های پنج‌گانه مسلمین موجب انحطاط دول اسلام و استیلای خارجیان شده‌است، به جهت حفظ کلمه جامع دینیه و دفاع از شریعت محمدیه، فتاوی مجتهدین عظام، که رؤسای شیعه جعفریه هستند، و مجتهدین اهل سنت، اتفاق نموده بر وجوب تمسک به حبل اسلام... و اتفاق شد بر وجوب اتحاد تمام مسلمین در حفظ بیضه اسلام و نگهداری جمع مملکت‌های اسلامی از تشبهات دول بیگانه و حمله‌های سلطنت‌های صلیبیه، متحد شد رای جمیعاً برای حفظ حوزه اسلامی بر این که تمام قوت و نفوذ خود را بر این خصوص مبذول داریم و از هیچ‌گونه اقدامی که مقتضی است فروگذار نکنیم... چنان‌چه حق تعالی فرموده: **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ**^۱ و متذکر می‌سازیم عامه مسلمانان را به برادری که خداوند بین تمام مومنین بست و اعلان می‌کنیم وجوب اجتناب از چیزهایی که موجب نفاق و شقاق است...»^۲

اما متأسفانه عده‌ای با استفاده از امکاناتی که دولت‌های غربی در اختیار آن‌ها گذاشته‌اند و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای به نام شیعه، به این اختلافات دامن زده و با توهین به اعتقادات اهل سنت و صحابه مورد احترام آنان در این شبکه‌ها، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

۱. فتح/۲۹

۲. آیت‌الله نورالله نجفی اصفهانی، آخوند خراسانی، سید اسماعیل صدر، شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی از امضا کنندگان این بیانیه بودند.

نگارنده در یک فیلم کوتاه که در یکی از این شبکه‌ها پخش شده بود دیدم فردی که به عنوان «حجت‌الاسلام عبدالرضا درایتی»^۱ معرفی شده بود با کنار هم قرار دادن آیات و روایات و



تفسیر آن‌ها به صورت دل خواه نتیجه گرفت که بیان این مطالب باعث اختلاف نیست و گفت: «شعار شما درباره ی وحدت باعث اختلاف است!!! زیرا اگر مطالب گفته شود همه به مکتب اهل بیت گرویده و به وحدت می‌رسند!!!» سپس گفت: «بیان مطالب علمی و بحث جایز و توهین و قتل جایز نیست.»

این سخن وی نگارنده را به یاد فرمایش امیرالمؤمنین انداخت که: «كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ»^۲ زیرا برای هر انسان آگاهی روشن است که جای بحث علمی در شبکه‌های ماهواره‌ای نیست. ضمن آن که ایشان در پایان مطلب به بهانه بحث علمی شروع به توهین به صحابه و خلیفه دوم کرد و به بهانه وهابی‌ها همه‌ی اهل سنت را سرزنش نمود.

اگر کسی به طور منظم این شبکه‌ها و شبکه‌های مربوط به وهابیون را دنبال کند متوجه می‌شود که آن‌ها اگر چه در ظاهر با هم اختلاف دارند و به یکدیگر توهین هم می‌کنند اما، در عمل مانند دو لبه‌ی یک قیچی عمل کرده و با این که در جهت مخالف هم حرکت می‌کنند به یک هدف مشترک می‌رسند و آن ایجاد اختلاف است.

از رفتار این شبکه‌های مدعی محبت اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در

۱. فیلم‌های کوتاه بسیار زیادی از ایشان با این‌گونه مضامین در فضای مجازی وجود دارد ولی با بررسی ما فیلم مورد اشاره بسیار تکرار شده است.

۲. نهج‌البلاغه (للصبحی صالح) ص ۸۲؛ خطبه ۴۰

حال حاضر گروه تروریستی داعش و امثال آن بیشترین بهره را می‌برند. زیرا در سراسر جهان سخنان ایشان را نشان داده و به اعل سنت القاء می‌کنند که شیعیان به مقدسات آن‌ها توهین می‌نمایند و برای جهاد با این کفار باید همه به آن‌ها پیوندند. نتیجه آن‌هم یارگیری آن‌ها از تمام کشورهای دنیاست.



هفته برأت

از ابتکارات جدید این افراد این است که درست در ایامی که هفته وحدت نامیده شده، هفته برأت اعلام نمودند. متن اعلام به شرح زیر است:

شورای سیاست‌گذاری شبکه جهانی امام حسین علیه‌السلام در بیانیه‌ای اعلام داشت: «روز نهم ربیع‌الاول طبق فرموده اهل بیت علیهم‌السلام روز غدیر ثانی نامگذاری شده است و این تعبیر حکایت از اهمیت دو موضوع تولی و تبری در مکتب اهل بیت دارد و حاکی از آن است که تبری و تولی به‌عنوان مکمل یکدیگر بایستی مورد توجه قرار بگیرد از این رو بر خود لازم می‌دانیم که از روز ۹ لغایت ۱۵ ربیع‌الاول را به‌عنوان هفته برأت نامگذاری کنیم تا از این شبکه مقدسه پیام برأت از دشمنان خاندان رسالت را با اتکا به عمل معصومین به جهان صادر نماییم.»

با توجه به این که این زمان بنا به اعلام آنان زمان کشته شدن خلیفه دوم به دست یک ایرانی به نام فیروز است، بازتاب منفی آن در جهان اسلام نسبت به شیعیان و به‌خصوص شیعیان ایران را چند برابر می‌کند.

البته با اعتراضات شدید شیعیان بیدار در سراسر جهان این فرقه از کار خود دست

کشید.



هناکی های یاسر الحیب

یکی از افراد مهمی که نقش محوری در این جریان ایفا می کند، روحانی جوانی به نام «یاسر الحیب» — معروف به «شیخ خوش پوش انگلیسی» — است. وی سعی دارد

خود را سینه چاک تفکرات شیعه و دشمن درجه یک وهابیت نشان دهد. سید حسن نصرالله درباره این فرد تعبیر دقیقی به کار برده و گفته است: «شخص شیعی غیر معروف عند الشيعة أساساً»

جشن وفات همسر پیامبر

یاسر الحیب در سال ۲۰۱۰ مطابق با رمضان ۱۴۳۱ برای نخستین بار اقدام به برگزاری علنی مراسم جشنی به مناسبت سالروز وفات عایشه، همسر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نمود که انتشار خبر آن، منجر به برانگیخته شدن خشم مسلمانان در دنیا شد.

کتاب موهن

وی نه تنها دست از این اقدامات بر نداشته، بلکه مواضع خویش را در مورد عایشه در یک کتاب منتشر کرد. کتابی که عنوانی بسیار زشت و ناپسند داشت. نکته مهم کتاب وی این است که احادیثی که سند معتبری ندارد را جمع اوری نموده و بر خلاف نصّ فقه امامیه تهمت ناروا به همسر پیامبر زده است.



نظر برخی علمای شیعه در این خصوص:

۱. علامه محمد باقر مجلسی رحمت‌الله‌علیه در بحار می‌نویسد:

«همه‌ی مسلمانان به قداست و پاکی همسران پیامبر اقرار دارند، بلکه البته برخی از آن‌ها به سرکشی برخی از همسران نبی در مخالفت‌شان با علی علیه‌السلام معتقدند.»^۱

۲. علامه طبرسی رضوان‌الله‌علیه

قال ابن عباس: كانت امرأة نوح كافرة تقول للناس انه مجنون و إذا آمن بنوح أحد أخبرت الجبارة من قوم نوح به و كانت امرأة لوط تدل علی أضيافه فكان ذلك خيانتهم و ما بغت امرأة نبی قط و إنما كانت خيانتهم في الدين: ابن عباس گوید: زن نوح علیه‌السلام کافر بوده و به مردم می‌گفت نوح دیوانه است و هر گاه یک نفر به نوح ایمان می‌آورد خبر می‌داد ستمگران از قوم نوح را و زن لوط مردم را به میهمانی‌های لوط راهنمایی می‌کرد. پس این بود خیانت آن دو زن و هیچ زن پیغمبری مرتکب زنا نشد و خیانت آن‌ها در دین بود نه در ناموس و بی‌عفتی.»^۲

۳. شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی أعلی‌الله درجاته

«همسر هیچ پیامبری مرتکب زنا نشد، چرا که این امر سبب بیزاری و روی گردانی از فرستاده‌ی خدا و خوردن لکه ننگی به ایشان می‌شود. پس هر که به کسی از همسران پیامبر نسبت زنا دهد خطای بزرگی مرتکب شده است.»^۳

۱. فعلى ای هذه مقالة يخالفتها المسلمون باجمعهم من الخاصة و العامة و كلهم يقرون بقداسة اذیال أزواج النبى صلی الله علیه و آله مما ذكر، نعم بعضهم يعتقدون عصیان بعضهن لمخالفتها أميرالمؤمنین علی علیه‌السلام. بحار الأنوار (ط - بيروت) ج ۲۲ ص ۲۴۰ - همین مضمون در «البرهان فی تفسیر القرآن» نوشته سید هاشم بن سلیمان بحرانی ج ۵ ص ۴۳۱؛ آمده است.

۲. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن ج ۱۰ ص ۴۷۹ - قال ابن عباس: كانت امرأة نوح كافرة تقول...

۳. التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۰ ص ۵۲

۴. علامه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره

حضرت علامه، ذیل آیه ۲۶ سوره نور می فرمایند: « این آیات به داستان افک اشاره می کند، که اهل سنت آن را مربوط به عایشه ام المؤمنین دانسته اند، ولی شیعه آن را درباره ی ماریه قبطیه مادر ابراهیم معتقد است، همان ماریه که "مقوقس" پادشاه مصر او را به عنوان هدیه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرستاد، و هر دو حدیث - چه آن حدیثی که از سنی ها است و چه آن حدیثی که از شیعه ها رسیده - خالی از اشکال نیست.»^۱

ایشان در ادامه و در رد احادیث اهل سنت دو دلیل عمده را اقامه می فرمایند و توضیح می دهند که:

«دلالیت عموم روایات بر سوء ظن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به عایشه جای هیچ حرفی نیست، و حال آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اجل از این سوء ظن است و چه طور نباشد؟ با این که خدای تعالی سایر مردم را از این سوء ظن توبیخ نموده و فرمود: " چرا وقتی مؤمنین و مؤمنات این را شنیدند حسن ظن به یکدیگر از خود نشان ندادند، و نگفتند که این افترا بی است آشکار؟"^۲، و وقتی حسن ظن به مؤمنین از لوازم ایمان باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سزاوارتر به آن است، و سزاوارتر از اجتناب از سوء ظن است که خود یکی از گناهان می باشد و مقام نبوت و عصمت الهی او با چنین گناهی نمی سازد. علاوه بر این قرآن کریم تصریح کرده به این که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دارای حسن ظن به مؤمنین است و

۱. ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۱۵ ص ۱۲۷

۲. لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ. (نور/۱۲)

فرموده: " وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ، وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ"^۱

از این هم که بگذریم اصولاً اگر بنا باشد گناهانی چون زنا در خانواده پیغمبر نیز راه پیدا کند، مایه تنفر دل‌ها از او شده و دعوت او لغو می‌گردد، و بر خدا لازم است که خاندان او را از چنین گناهانی حفظ فرماید، و این حجت و دلیل عقلی عفت زنان آن جناب را به حسب واقع ثابت می‌کند، نه عفت ظاهری را فقط، و با این که عقل همه ما این معنا را درک می‌کند، چه‌طور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را درک نکرده و نسبت به همسر خود دچار تردید می‌شود.^۲

جشن عید بقرا^۳

وی با استمرار حرکت خود، اقدام به برپایی مراسم جشن در سالروز منتسب به مرگ خلیفه دوم نمود و در اقدامی عجیب این برنامه‌ها را به صورت زنده از شبکه ماهواره‌ای خود منتشر ساخت. اقدامی که تعجب بسیاری از مسلمانان در فرق مختلف اهل سنت و شیعیان را به همراه داشت.

۱. از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او خوش باور و (سر تا پا) گوش است، بگو خوش باور بودن او به نفع شما است او ایمان به خدا دارد و مؤمنان را تصدیق می‌کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، و آن‌ها که فرستاده خدا را آزار می‌دهند عذاب دردناکی دارند. توبه/۶۱

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۱۴۳

۳. بقرا به معنی شکافتن است و بنا به گفته این‌گونه افراد چون شکم خلیفه دوم در این روز پاره شده آن‌را عید بقرا نامیده‌اند.

بت را هم سب نکنید

تحریکات این جریان منحرف در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید:

« وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ

أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - (به معبود) کسانی که غیر

خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عمل‌شان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است و آن‌ها را از آن چه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد). «(انعام/۱۰۸)

به طوری که از بعضی روایات استفاده می‌شود، جمعی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدید که از مساله بت پرستی داشتند، گاهی بت‌های مشرکان را به باد ناسزا گرفته و به آن‌ها دشنام می‌دادند، قرآن صریحاً از این موضوع، نهی کرد و رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت در بیان را، حتی در برابر خرافی‌ترین و بدترین ادیان، لازم می‌شمارد.

دلیل این موضوع، روشن است، زیرا با دشنام و ناسزا نمی‌توان کسی را از مسیر غلط باز داشت، بلکه به عکس، تعصب شدید آمیخته با جهالت که در این‌گونه افراد است، سبب می‌شود که به اصطلاح روی دنده لجاجت افتاده، در آئین باطل خود راسخ‌تر شوند، سهل است زبان به بدگویی و توهین نسبت به ساحت قدس پروردگار بکشایند، زیرا هر گروه و ملتی نسبت به عقائد و اعمال خود، تعصب دارد همان‌طور که قرآن در جمله بعد می‌فرماید: «ما این چنین برای هر جمعیتی عمل‌شان را زینت دادیم.»

اگر شما به جای دشنام،
اعمال آنها را
برشمرد و حالات آنها
را متذکر شوید به حق
و راستی نزدیکتر است

در روایات اسلامی نیز منطق قرآن درباره‌ی ترک دشنام به گمراهان و منحرفان، تعقیب شده و پیشوایان بزرگ اسلام به مسلمانان دستور داده‌اند همیشه روی منطق و استدلال تکیه کنند و به حربه‌ی بی‌حاصل دشنام نسبت به معتقدات مخالفان، متوسل نشوند، در نهج البلاغه می‌خوانیم که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به جمعی از

یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می‌دادند می‌فرماید:^۱

«إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبَّيْنِ وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَقْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانِ

أَصُوبَ فِي الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِي الْعُذْرِ - من خوش ندارم که شما فحاش باشید، اگر شما به جای دشنام، اعمال آنها را برشمرد و حالات آنها را متذکر شوید (و روی اعمالشان تجزیه و تحلیل نمائید) به حق و راستی نزدیکتر است و برای اتمام حجت بهتر.»^۲

"آلوسی" دانشمند معروف سنی، در تفسیر "روح المعانی" نقل می‌کند که بعضی از عوام جاهل هنگامی مشاهده کرد بعضی از شیعیان، سبّ شیخین می‌کند، ناراحت شد و شروع به اهانت به مقام علی علیه السلام کرد، هنگامی که از او سؤال کردند چرا به علی علیه السلام که مورد احترام توست اهانت می‌کنی؟

گفت: «من می‌خواستم شیعه‌ها را ناراحت کنم زیرا هیچ چیز را ناراحت کننده‌تر از

این موضوع برای آنها ندیدم! و بعد او را به توبه از این عمل وادار ساختند.»^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۹۴

۲. نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۳۲۳؛ خطبه ۲۰۶

۳. تفسیر روح المعانی، ج ۷ ص ۲۱۸

فتوای امام خامنه‌ای

جمعی از علما و فرهیختگان شیعه منطقه احساء عربستان سعودی از مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص اهانت و استفاده از کلمات تحقیرآمیز و توهین به همسر پیامبر اسلام سؤال نمودند و ایشان در پاسخ فرمودند:

اهانت به نمادها و شخصیت‌های اسلامی برادران اهل تسنن ما حرام است و به‌طریق اولی هر چیزی که موجب اخلال در شرافت و هر گونه اتهام به همسر نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد، حرام است. بلکه این اقدام نسبت به همسران انبیاء ممنوع است و به‌ویژه نسبت به سرور ایشان حضرت رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).^۱

البته ایشان در سال‌های قبل هم فرموده بودند:

امروز این جماعت وهابی و سلفی، شیعه را کافر می‌داند؛ سنی محب اهل‌بیت را هم کافر می‌داند؛ سنی پیرو طریقه‌های عرفانی و قادری را هم کافر می‌داند! این فکر غلط از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ همه‌ی مردم شیعه در سراسر دنیا، مردم سنی شافعی در شمال آفریقا، یا مالکی در کشورهای آفریقایی مرکزی - که این‌ها محب و دوستدار اهل‌بیتند؛ طریقه‌های عرفانی این‌ها به اهل‌بیت منتهی می‌شود - کافرند؛ چرا؟ چون به مرقد حسین بن علی در قاهره احترام می‌گذارند و مسجد رأس‌الحسین را مورد تقدیس قرار می‌دهند؛ به این جهت این‌ها کافرند! شیعه که کافر است؛ سنی سقزی و سنندجی و مریوانی هم اگر با طریقه‌ی قادری یا نقش‌بندی ارتباط داشته باشد، او هم کافر است! این فکر، چه فکری است؟ چرا با این فکر غلط و شوم بین برادران مسلمان

۱. یَحْرُمُ النَّبِيُّ مِنَ رُمُوزِ إِخْوَانِنَا السُّنَّةَ فَضْلًا عَنِ إِتِهَامِ زَوْجِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِمَا يُخِلُّ بِشَرَفِهَا بَلْ هَذَا الْأَمْرُ مُتَمَتِّعٌ عَلَى نِسَاءِ الْأَنْبِيَاءِ وَخُصُوصًا سَيِّدِهِمُ الرَّسُولَ الْأَعْظَمَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

اختلاف ایجاد بشود؟ به آن شیعه‌ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض - این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان می‌شناسیم که فقط مسئله‌شان مسئله‌ی نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای این‌که ایجاد اختلاف کنند - به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند، عرض می‌کنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.^۱

تکفیر شیعیان و مراجع عظام

الحیب با توجه به موضع‌گیری منفی علما و مراجع شیعه علیه وی که به دلیل اعمال او بود، ناگهان لبه حملات و انتقادات خویش را به سوی طیفی وسیع از علمای شیعه کشاند و در این راه، هر روز، چهره‌ای جدید از میان علمای شیعه را هدف گرفت. به گونه‌ای که در موارد بسیاری آن‌ها را تا حد کفر و خروج از دین تکفیر نمود. او با انتقاد از نگرش‌های عرفانی طیفی از علمای شیعه مانند حضرت امام خمینی، علامه طباطبایی، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله حکیم و سایر مراجع بزرگ شیعه در کشورهای منطقه و ... همگی ایشان را منحرف خواند و حملات شدیدی را بر ضد شهید آیت‌الله محمد باقر صدر انجام داد و در گفتاری ناپسند مدعی شد که ایشان در حالی از این دنیا رفته که از مذهب تشیع خارج شده بود.

الحیب همچنین ضمن فاسق قلمداد کردن سید حسن نصرالله طی سخنانی گفت که اگر بن‌لادن و قرضاوی مجاهد هستند، سید حسن نیز مجاهد است. یاسر الحیب اگرچه در قبال مرجعیت آیت‌الله سیستانی در روزهای ابتدایی فعالیت‌هایش بسیار محتاطانه سخن می‌گفت اما هر روز به جسارت خویش در قبال ایشان نیز افزود تا

۱. فرمایشات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج - ۱۳۸۸/۲/۲۲

این‌که در نهایت از عباراتی بسیار سخیف و ناپسند در قبال ایشان استفاده کرد. او بعد از ابراز این اظهارات سخیف، مدعی شد که آیت‌الله سیستانی توجهی به نگاه‌های نسل جدید تشیع نداشته و عن‌قرب است که شاهد طغیان تشیع بر ضد مرجعیت باشد.

سند مزدوری

در حالی که پخش برنامه‌های برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی با مشکل روبروست و هر از چند گاهی کشورهای غربی برای آن مشکل ایجاد می‌کنند، این جریان دارای چندین شبکه ماهواره‌ای است - که همگی در خارج از ایران هستند - که به راحتی پخش می‌شود.

نکته قابل تأمل آن‌جاست که هزینه احداث و راه‌اندازی و مدیریت این شبکه‌ها

چگونه تأمین می‌شود؟



ترویج قمه کشی

یکی از نکات قابل تامل دیگر این است که این طیف، از هرگونه عملی که در میان شیعیان موجب وهن مذهب باشد حمایت می‌کند. به‌ویژه اگر این حمایت بوی مخالفت با دستورات ولی فقیه بدهد.

حضرت امام خامنه‌ای درباره‌ی قمه‌زنی و برخی خرافات دیگر فرمودند:

بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه، چهار سال اخیر، برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداری ماه محرم دیده شده است که دست‌هایی به غلط، آن را در جامعه‌ی ما ترویج کرده‌اند. کارهایی را باب می‌کنند و رواج می‌دهند که هر کس ناظر آن باشد، برایش سؤال به وجود می‌آید. به‌عنوان مثال، در قدیم‌الایام بین طبقه‌ی عوام الناس معمول بود که در روزهای عزاداری، به بدن خودشان قفل می‌زدند! البته، پس از مدتی، بزرگان و علما آن را منع کردند و این رسم غلط برافتاد. اما باز مجدداً شروع به ترویج این رسم کرده‌اند و شنیدم که بعضی افراد، در گوشه و کنار این کشور، به بدن خودشان قفل می‌زنند! این چه کار غلطی است که بعضی افراد انجام می‌دهند؟

قمه زدن نیز همین‌طور است. قمه زدن هم از کارهای خلاف است. می‌دانم عده‌ای خواهند گفت: «حق این بود که فلانی اسم قمه را نمی‌آورد.» خواهند گفت: «شما به قمه زدن چه کار داشتید؟ عده‌ای می‌زنند؛ بگذارید بزنند!» نه؛ نمی‌شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد. اگر به گونه‌ای که طی چهار، پنج سال اخیر بعد از جنگ، قمه‌زدن را ترویج کردند و هنوز هم می‌کنند، در زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله‌علیه ترویج می‌کردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند. کار غلطی است که عده‌ای قمه به دست بگیرند و به سر



خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می کنند که چه بشود؟! کجای این حرکت، عزاداری است؟! البته، دست بر سر زدن، به نوعی نشانه‌ی عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برای‌شان پیش می‌آید، بر سر و سینه‌ی خود می‌کوبند. این نشانه‌ی عزاداری معمولی است. اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت‌ عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دست‌شان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه‌ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه‌ی اسلامی برتر، یعنی جامعه‌ی محبّ اهل بیت علیهم السّلام که به نام مقدس ولیّ عصر ارواحنفا، به نام حسین بن علی

علیه السّلام و به نام امیرالمؤمنین علیه الصّلاه والسّلام، مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هر چه فکر کردم، دیدم نمی توانم این مطلب - قمه زدن - را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند. بنده راضی نیستم. اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام. این را من جداً عرض می‌کنم. یک وقت بود در گوشه و کنار، چند نفر دور هم جمع می‌شدند و دور از انظار عمومی مبادرت به قمه‌زنی می‌کردند و کارشان، تظاهر - به این معنا که امروز هست - نبود. کسی هم به خوب و بد عمل‌شان کار نداشت؛ چرا که در دایره‌ی محدودی انجام می‌شد. اما یک وقت بناست که چند هزار نفر، ناگهان در خیابانی از خیابان‌های تهران یا قم یا شهرهای آذربایجان و یا شهرهای خراسان ظاهر شوند و با قمه و شمشیر بر سر خودشان ضربه وارد کنند. این کار، قطعاً خلاف است. امام حسین علیه السّلام، به این معنا راضی نیست. من نمی‌دانم کدام سلیقه‌هایی و از کجا این بدعت‌های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعه‌ی انقلابی ما می‌کنند؟!

اخیراً یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت درست کرده‌اند! بدین ترتیب که وقتی می‌خواهند قبور مطهر ائمه علیهم السّلام را زیارت کنند، از درِ صحن که وارد می‌شوند، روی زمین می‌خوابند و سینه‌خیز خود را به حرم می‌رسانند! شما می‌دانید که قبر مطهر پیغمبر صلوات‌الله علیه و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه‌ی ائمه علیهم السّلام را همه‌ی مردم، ایضاً علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می‌کردند. آیا هرگز شنیده‌اید که یک نفر از ائمه علیهم السّلام و یا علما، وقتی می‌خواستند



زیارت کنند، خود را از درِ صحن، به طور سینه خیز به حرم برسانند؟! اگر این کار، مستحسن و مستحب بود و مقبول و خوب می نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می کردند. اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی رضوان الله تعالی علیه، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه بوسی را با این که شاید مستحب باشد، منع می کرد. احتمالاً استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست. به ذهنم این است که برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. با این که این کار مستحب است، ایشان می گفتند «انجامش ندهید، تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می کنیم؛ و علیه شیعه، تشییعی درست نکنند.» اما امروز، وقتی عده ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه الصلاة والسلام می شوند، خود را به زمین می اندازند و دویست متر راه را به طور سینه خیز می پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه؛ این کار، غلط است. اصلاً اهانت به دین و زیارت است.

چه کسی چنین بدعت‌هایی را بین مردم رواج می‌دهد؟ نکند این هم کار دشمن باشد؟! این‌ها را به مردم بگویید و ذهن‌ها را روشن کنید.^۱

با نگاهی گذرا به پایگاه‌های اینترنتی و بررسی شبکه‌های این طیف متوجه خواهید شد که این‌ها تمام مواردی را که امام خامنه‌ای از آن نهی کردند به شدت تبلیغ نموده و برای ترویج آن کتاب و سی‌دی تهیه نموده و تکثیر می‌کنند. در این راه از گفتن دروغ و جعل سخنان و امضاء علما و... هیچ ابایی ندارند.

امام خامنه‌ای دو بار دیگر هم در واکنش به چنین اعمالی فرمودند:

به نظر ما قمه زنی یک خلاف شرع قطعی بود

امام خامنه‌ای:

قمه‌زنی یک

خلاف شرع

قطعی بود و

هست.

و هست؛ این را ما اعلام کردیم و بزرگانی هم

حمایت کردند؛ اما بعد دیدیم از گوشه و کنار

کسانی در جهت عکس این عمل می‌کنند! اگر

قمه زنی اشکال هم نداشته باشد و حرام هم

نباشد، واجب که نیست؛ چرا در جاهایی برای

این چیزهای بعضاً خرافی انگیزه وجود دارد؟

آن‌هایی هم که جنبه‌ی خرافی محض ندارد،

لااقل این مقدار هست که در دنیای امروز، در ارتباطات امروز، در فرهنگ رایج

جهانی امروز، در عقلانیاتی که امروز در داخل خانه‌های ما و بین جوانان و

دختران و پسران ما رایج است، عکس‌العمل نامناسب ایجاد خواهد کرد. این‌ها از

۱. فرمایشات در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» ۱۷/۰۳/۱۳۷۳

بَیِّنَات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا پسندد، چه نپسندد، ما باید این‌ها را بگوییم؛ حداقل این‌ها چیزهای مشکوک‌فیه است.^۱

ما چند سال پیش این‌جا راجع به قمه زنی - امری که «بَیِّنُ الْعَیِّ» است - مطالبی گفتیم؛ بزرگانی صحبت کردند، نجابت کردند، قبول کردند و مردم زیادی هم پذیرفتند؛ یک وقت دیدیم از گوشه‌هایی سروصدا بلند شد که آقا شما با امام حسین مخالفید! معنای «سفینة النجاة و مصباح الهدی» این است که ما عملی را که بلاشک شرعاً محل اشکال است و به عنوان ثانوی هم حرام مسلم و بین است، انجام دهیم؟^۲

مراقب باشیم

آیت‌الله مصباح یزدی در خصوص زمینه انحرافات در مذهب شیعه فرموده‌اند: ما هم که در طرف حق هستیم، ممکن است در افکار، رفتار و در کارهای‌مان مرتکب اشتباه‌هایی شویم. در کتاب‌های ما نیز چیزهایی وجود دارد که طبق نظر بزرگان و متخصصان صحیح نیست. برای نمونه، مسأله تحریف قرآن که در بعضی از روایات ما آمده و در کتاب‌های ما هم وجود دارد، دستاویزی برای دشمنان اسلام است. البته مسأله تحریف قرآن هم در روایات اهل تسنن و هم در روایات ما مطرح شده و پیداست که دست دشمن واحدی این‌ها را درست کرده است؛ ولی این‌که در پاسخ بگوییم: اگر این مسأله در روایات ما هست، در روایات شما هم وجود دارد، در مقام جدل است. ما باید یک راه صحیح و منطقی داشته باشیم، باید از این‌گونه مسائل

۱. فرمایشات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۱۲/۲۷

۲. فرمایشات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۴/۰۶/۱۷

پند بگیریم، باید برای پیشرفت در مسیر درست، راه صحیحی پیشنهاد کنیم، نباید سوژه‌ای به دست دشمنان بدهیم تا آن‌ها دوباره با استفاده از اشتباه‌های ما یک مذهب جدید یا انحراف جدیدی درست کنند. برخورد، استدلال و مبارزات فکری ما باید بر اساسی استوار باشد که هم پیش خدا سرفراز باشیم و هم دشمن نتواند سوءاستفاده کند.

اگر با تفکر انحرافی و با کسانی که به تبع آن، گرایش‌های انحرافی پیدا کردند، با مسامحه برخورد شود، کم‌کم آن تفکر به پیش می‌رود و در آینده به صورت فرقه یا گروهی خطرناک در می‌آید.

آب را از سرچشمه باید تمیز کرد و نگذاشت گل‌آلود شود. اگر با تفکر انحرافی و با کسانی که به تبع آن، گرایش‌های انحرافی پیدا کردند، با مسامحه برخورد شود، کم‌کم آن تفکر به پیش می‌رود و در آینده به صورت فرقه یا گروهی خطرناک در می‌آید و آفت بزرگی برای عالم اسلام می‌شود. باید خوب دقت کنیم. نقطه‌های انحرافی را که می‌تواند منشأ فسادهای بزرگی در جامعه شود باید از همان ابتدا مهار کرد. اگر زمانی که همین افکار انحرافی وهابیت در عالم

تشیع مطرح می‌شد، برخوردی جامع، حساب شده و دقیق انجام می‌گرفت، ما امروز در داخل این کشور شیعه، در میان عاشورائیان، و در این کشور امام زمان (عج) و تشیع، دیگر شاهد گرایش‌های انحرافی نبودیم. هم‌اینک در بسیاری از شهرها، حتی در قم، زمینه‌هایی برای رشد افکار انحرافی وجود دارد؛ افکاری که در اثر مسامحاتی که می‌شود، کم‌کم زمینه رشد پیدا می‌کنند و بعد خطری بزرگ ایجاد می‌کنند که ریشه کن کردنش مشکل می‌شود!^۱

۱. بیانات حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در همایش وهابیت، مانع انسجام اسلامی - ۱۲/۱۱/۱۳۸۶